اخبار

واکنش رئیس مجلس به سخنان ظریف

تدبیر حاج‌قاسم معابر دیپلماسی را باز می‌کرد

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شـورای اسلامی در واکنش به مطرح شـده در فایل منتشرشـده از وزیر امور خارجه در توئیتر نوشت: تدبیر و شجاعت حاج‌قاسم میدان‌ها را فتح و معابر دیپلماسی را باز می‌کرد؛ چیزی جز سیاست‌بازی یا ساده‌لوحی نمی‌تواند این حقیقت روشن را کتمان کند. او همچنین در ادامه عنوان کرده است: حالا که حاج‌قاسم نیست، نخواهیم گذاشت با فرصت‌طلبی برای رسـیدن به مقاصد سیاسی خود به او جفا کنند و نقش تاریخی شهید سلیمانی را وارونه جلوه دهند.

آیت‌الله رئیسی در جلسه شورای عالی قوه قضائیه:

لغو تمام تحریم‌ها نباید دستاویز دعواهای سیاسی شود

رئیس دسـتگاه قضا در جلسـه صبح دیروز شورای عالی قوه قضائیه با بیان اینکه امروز لغو همه تحریم‌ها و راستی‌آزمایی آن یک مطالبه ملی است و این مطالبه نباید دستاویز دعواهای سیاسی و وقت‌کشی شود، به کسانی که مسؤول پیگیری و تحقق این مطالبه هستند متذکر شد به طرف مقابل اجازه وقت‌کشی ندهند.

آیت‌الله رئیسی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به «شوراها» به عنوان نهادی برآمده از قانون اساسی، آن را جلوه‌ای از حاکمیت اراده مردم نسبت به زندگی خودشان دانسـت اما در ادامه با اشـاره به برخی آسیب‌های این نهاد که باعث بی‌اعتمادی مردم شده است، نهاد شوراها را دارای مشـکلات ساختاری دانسـت. آیت‌الله رئیسی بیان کرد همکاران دسـتگاه قضا در جریان رسیدگی به پرونده‌های مربوط به شوراها، این آسیب‌ها را احصا کرده‌اند تا جمع‌بندی آن را در اختیار مراجع ذی‌صلاح قرار دهند. وی از مسؤولان مربوط خواست حل مشکلات ساختاری شوراها را با جدیت پیگیری کنند.

سردار سلامی:

ایران به هر عمل شیطانی اسرائیل در همان سطح یا قوی‌تر پاسخ می‌دهد

سردار حسین سلامی روز گذشته در گفت‌وگو با شبکه المیادین گفت: اقدامات شرورانه صهیونیست‌ها در منطقه برای آنها نتیجه معکوس خواهد داد و آنها را در آینده در معرض خطرات واقعی قرار می‌دهد. فرمانده کل سپاه اظهار داشت: اگر آنها به ارتکاب جنایات خود ادامه دهند، بیش از پیش به فروپاشی نزدیک می‌شوند، بویژه که همه شرایط برای فروپاشی رژیم صهیونیستی مهیاست. سردار سلامی در ادامه خاطرنشان کرد: در روزهای گذشته، دیدید که چگونه اعمال شرور آنها بی‌پاسخ نماند و چگونه برخی از حوادث در داخل سرزمین‌های اشغالی رخ داد و مطمئنا این اتفاقات ممکن است بعدا تکرار شود و گسترش یابد.

نازنین زاغری به یک سال حبس و ممنوع‌الخروجی محکوم شد

بر اساس حکم صادره از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی، نازنین زاغری به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام به یک سال حبس محکوم شده است. حجت کرمانی، وکیل مدافع نازنین زاغری متهم ایرانی-بریتانیایی در گفت‌وگویی از صدور رای پرونده دوم موکلش در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران خبر داد و گفت: موکلم در این پرونده به یک سال حبس تعزیری و یک سـال منع خروج از کشور محکوم شـده اسـت. وی در این باره اظهار کرد: رای پرونده دوم موکلم به من ابلاغ شد. بر اساس رای صادره، نازنین زاغری به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام از طریق شـرکت در تجمع مقابل سفارت ایران در لندن در سال ۸۸ و مصاحبه با شبکه بی‌بی‌سی فارسی» به یک سال حبس تعزیری و یک سال منع خروج از کشور محکوم شده است. کرمانی افزود: پرونده اول زاغری تمام شد و او آزاد است و در این پرونده هم به قید کفالت آزاد است که در مهلت مقرر قانونی به رای صادره اعتراض خواهیم کرد. لازم به ذکر اسـت بر اساس کیفرخواست صادره در ۹۶/۷/۱۹، نازنین زاغری متهم به «فعالیت تبلیغی علیه نظام» از طریق شرکت در تجمع مقابل سفارت ایران در لندن در سال ۱۳۸۸ و مصاحبه با شبکه بی‌بی‌سی فارسی است. آخرین جلسه رسیدگی به اتهام زاغری ۲۴ اسفند ۹۹ برگزار شده بود. به گفته وکیل زاغری، در مهلت مقرر قانونی درباره تجدیدنظرخواهی از رای صادره اقدام خواهد شد.

رئیس سازمان جهاد خودکفایی نیروی زمینی ارتش:

«رویین‌تن» سبک‌ترین خودروی تاکتیکی در منطقه است

امیر سـرتیپ دوم مسـعود خزائی، رئیس سازمان تحقیقـات و جهاد خودکفایی نیـروی زمینی ارتش در بخشـی از گفت‌وگوی خود با فارس، دربـاره خودروی ضدزره رویین‌تن گفت: پروژه رویین‌تن یک پروژه مصوب سطح یک ستاد کل نیروهای مسلح است که طی ۲ سال گذشـته به یک محصول تبدیل شد. ما یک شبه آن را شروع نکردیم، بلکه این پروژه نتیجه چندین فناوری است و سبک‌ترین خودروی تاکتیکی با بدنه کامپوزیت مقاوم در برابر گلوله‌های هسته فولاد کالیبر ۵۰ است. ما چندین پروژه و زیرپروژه انجام دادیم تا به این فناوری رسیدیم. ما اول در بحث زره‌های هوشـمند، زره‌های مایع و زره‌های مقاوم در برابر کالیبر متوسط ورود کردیم و با انجام آن و اثبات فناوری، بر اساس تدبیر و خواست نیروهای مسلح به سامانه‌ها ورود کردیم تا بتوانیم با این فناوری خودرویی بسازیم که مقاوم باشد. پروژه‌هایی را بر همین مبنا تعریف کردیم که سـایر تجهیزات زرهی و خودرویی‌مان الان با همان زره‌های هوشـمند فعال هستند. پروژه رویین‌تن نزاجا، سـبک‌ترین خودروی تاکتیکی در سطح منطقه اسـت که تست‌های عملیاتی آن در حضور کارشناسان ارزیاب سـتاد کل نیروهای مسلح هم انجام شده و الان مراحل صنعتی‌سازی و انتقال دانش آن به صنعت دفاعی در حال انجام اسـت و ان‌شاءالله در یک تا ۲ سال آینده خودروهایی با همین کلاس و مقیاس در سطح نیروهای مسلح در اختیار نیروها قرار خواهد گرفت.

سردار سلیمانی میدان و دیپلماسی را ارکان حفظ منافع ملت و امنیت ملی می‌دانست

حسین امیرعبداللهیان، معاون سابق عربی و آفریقای وزیر امور خارجه و دستیار ارشد رئیس مجلس در امور بین‌الملل، در صفحه شخصی خود در توئیتر خاطرنشان کرد: در مذاکرات هسته‌ای منتهی به برجام و سایر مذاکرات مهم بین‌المللی، همواره دستاوردهای میدانی جمهوری اسلامی ایران پشتوانه بزرگ دیپلماسی بوده است. سردار سلیمانی هیچگاه از مردم هزینه نکرد. او میدان و دیپلماسی را ۲ رکن حفظ منافع ملت و امنیت ملی می‌دانست.

طراحی امنیتی-سیاسی غربگرایان برای انتخابات ۲۸ خرداد وارد مرحله عملیاتی شده است؛ می‌خواهند سیاست خارجی را مسأله انتخابات کنند

دوقطبی علیه مردم

مطالبه اصلی مردم یعنی کارآمدی و بهبود وضعیت معیشت پای دوقطبی‌های سیاسی ذبح می‌شود؛ باید از حریم و کارکرد انتخابات حراست کرد

یونس مولایی: یک جامعه در چه نقطه‌ای از رقابت‌های دائمی سیاسی و نزاع‌های اجتماعی دوقطبی می‌شود؟ شاید پاسخ به این سوال به رغم عمومیت صورت مساله‌اش چندان ساده به نظر نرسد. به بیان ساده‌تر می‌توان با نگاه به تاریخ رقابت‌های سیاسی با انبوهی از رقابت‌ها روبه‌رو شد که در آن ۲ قطب اصلی مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند اما فضای دوقطبی شکل نگرفته است. بر همین اساس می‌توان سوال اول را کامل‌تر کرد و اینگونه پرسید: «چه عواملی باعث می‌شود تا قطب‌های سیاسی جامعه را نیز قطبی کنند؟»

جامعه (به طور عام) متشکل از تعداد قابل توجهی از تفاوت‌های طبقاتی، عقیدتی، فرهنگی، قومیتی و... است که به موازات آن نیز تعداد قابل توجهی از شـکاف‌های اجتماعی فعال وجود دارد. بر همین مبنا نه می‌توان جامعه‌ای فاقد تفاوت را پیدا کرد و نه سر در بخشی از تاریخ فرو برد که شکاف‌هایی میان آدمیان رقابت و تقابل ایجاد نکرده باشد. با این حال آنچه رویکرد جوامع مختلف را نسـبت به تفاوت‌های‌شان مشخص می‌سازد، سیاق و الگوی مواجهه با تفاوت‌های آنان است. برای مثال بسیاری از جوامع (از جمله جامعه ایران) تنوع قومیتی بالایی دارند اما هیچگاه تفاوت قومیت‌هـا و نژادها باعث بروز درگیری اجتماعی جدی میان ۲ بخش از جامعه ایران نشده است ولی در سوی دیگر می‌توان به آمریکایی نظر انداخت که وجود گونه‌های نژادی متفاوت در آن همواره با نزاع خشـونت‌آمیز میان سفیدپوستان و سیاه‌پوستان همـراه بود، یا در موردی دیگر می‌توان به تنوع ادیان در جوامع مختلف نظر انداخت که چگونه در بعضی از جوامع این تکثر به تقویت هویت ملی (برای صیانت از موجودیت خود) یا به تضعیف آن (در سایه به رسمیت نشناختن هموطنانی با مذاهب متفاوت) منتهی شده است. براساس همین مثال‌ها می‌توان به درک کلی از چگونگی تبدیل شدن تفاوت‌های فردی و گروهی به شکاف‌های اجتماعی - سیاسی رسید. عرصه سیاست نیز تا حد قابل توجهی متاثر از این منطق اسـت. تفاوت نظرات و عقاید سیاسی امری گریزناپذیر و البته لازم برای پویایی هر جامعه به حساب می‌آید و اساسا از دل همین تفاوت نظرها و نقادی متقابل نظرات یکدیگر است که می‌توان صحیح‌ترین نسخه ممکن را پیدا کرد. با این حال هرگاه این تکثر به سمتی برود که پایبندی به یک پدیده وابسته به نفی پدیده دیگر باشد، جامعه به سمت قطبی شدن حرکت می‌کند.

به عبارت ساده‌تر در جامعه دوقطبی بیش از آنکه گزاره‌های ایجابی موضوعیت پیدا کند، این گزاره‌های سلبی است که میدان‌دار تقسیم جامعه به ۲ قطب متضاد می‌شود. در چنین موقعیتی کنش سیاسی جامعه بیش از آنکه بر مدار نقشه «چه باید کرد؟»ها باشد، حول «با ما یا بر ما» می‌چرخد و در نهایت با نسـبیت‌زدایی از پدیده‌ها، مقدمات رادیکال شدن فضا را هموار می‌کند.

در جامعه دوقطبی نه تنها تفاوت‌ها تبدیل به شکاف اجتماعی می‌شود، بلکه این خطر وجود دارد که شکاف‌های اجتماعی نیز یکدیگر را تقویت کنند و جامعه را به سمت خشونت ببرند.

■ نتایج دوقطبی‌سازی در میدان انتخابات چیست؟

اگـر از میان سـطوح مختلف دوقطبی‌سـازی اجتماعی به دوقطبی‌سـازی جامعه در آسـتانه یک انتخابات نظر بیندازیم، می‌توان مهم‌ترین نتایج دوقطبی را در موارد ذیل مشاهده کرد:

۱ دوقطبی اساسا در فضای رادیکال شکل می‌گیرد و به تقویت رادیکالیسم منتهی می‌شود. آنچنان که پیش از این نیز مورد اشاره قرار گرفت دوقطبی محصول فضایی است که در آن گزاره‌های سلبی و رویکرد نفی‌گرا بیش از گزاره‌های ایجابی محوریت پیدا می‌کند. مضاف بر اینها، در فضای دوقطبی شکاف‌های اجتماعی نیز تقویت می‌شوند و همین امر به تقویت فضای رادیکال جامعه منتهی می‌شـود. در جایی که نفی دیگری بیش از اثبات خود اولویت داشته باشد، نمی‌توان مانع امکان یافتن فضای رادیکال شد.

۲ دوقطبی کنش سیاسی جامعه را هیجانی و عاطفی می‌کند. در فضای دوقطبی جامعه بیش از آنکه به عقلانیت رجوع کند به سمت فعالیت هیجانی می‌رود. هر قدر عقلانیت به رفتار سیاسی به عنوان امری بلندمدت نظر دارد، هیجان عملی در لحظه و برای همان لحظه است. از همین رو عمدتا در فضای دوقطبی رویکرد رادیکال و کنش هیجانی راه را بر عقلانیت ناهموار می‌کند و حتی اگر گزینه‌ای بخواهد از گزاره‌های عقلانی برای اثبات خود استفاده کند، چندان از سمت جامعه مورد استقبال قرار نمی‌گیرد.

۳ محدود شدن حوزه‌های مورد بحث از دیگر ویژگی‌های انتخابات در یک فضای قطبی شده است. دوقطبی عملا مانع از آن می‌شود تا مسائلی خارج از مسائل و بهانه‌های خلق دوقطبی جایی در محاسبات افکار عمومی داشته باشد. برای نمونه اگر دوقطبی یک جامعه حول یک اختلاف فرهنگی شکل بگیرد، هیچوقت موضع طرفین پیرامون مسائل مهمی همانند سیاست‌های حوزه انرژی، کشاورزی و... مورد بحث قرار نمی‌گیرد. از همین رو دوقطبی‌سازی جامعه عملا در سوژه‌ها انحصار به وجود می‌آورد.

۴ در نهایت امر تعیین‌کنندگی بیش از پیش آرای سلبی یکی از مهم‌ترین تبعات دوقطبی شدن فضا در آستانه یک انتخابات است. در چنین وضعیتی جامعه بیش از آنکه به سمت انتخاب گزینه‌ای که مطلوب می‌پندارد، باشد عزم خود را بر ممانعت از روی کار آمدن گزینه‌ای که نامطلوب اسـت، می‌گذارد. هر چند سلبی‌گرایی بخشی از عقلانیت به حساب می‌آید و نمی‌توان رویکرد سلبی و منطق آرای سلبی را چندان دور از عقلانیت دانست (چرا که اساسا مطلوبیت امری نادر است) با این حال فضای دوقطبی انتخابات، جامعه را به نقطه‌ای می‌کشاند که آرای سلبی عملا به مسیر آنهایی که رویکرد ایجابی دارند، جهت می‌دهد. مضاف بر اینها رای سلبی را می‌توان انعکاسی از رویکرد رادیکال و کنش هیجانی دانست که لاجرم نگاه بلندمدتی نیز به فعالیت سیاسی ندارد.

■ مختصات سیاسی ایران ۱۴۰۰

جامعه ایران در سال ۱۴۰۰ به اقتضای شرایط منحصر به فردش در نقطه‌ای خاص قرار گرفته است. از سویی انباشت نارضایتی‌های عمومی، حداکثری شـدن فشـار اقتصادی به لایه‌های میانی و پایینی جامعه و همچنین ضعف و بحران اعتبار گروه‌های مرجع سنتی می‌تواند جامعه را به سمت انفعال (عدم مشارکت) یا حتی در مواردی کنش رادیکال (شورش شهری) هدایت کند. اما این وضعیت همانقدر که تهدید است، امکان تبدیل شدن تهدیدها به فرصت را نیز داراست به گونه‌ای که عملا جامعه در نقطه تردید خود نسـبت به الگوهای سیاسـی تجربه شده در انتخابات‌های پیشین می‌تواند با مشاهده یک الگوی مناسب و عقلانی جدید که در آن برنامه محوری و دوری از وعده‌های غیرواقع‌بینانه وجود دارد، به سمتی حرکت کند که مقدمه‌ساز ایجاد شرایطی جدید برای برون‌رفت از موقعیت فعلی باشد.

در این میان اما غربگرایان به عنوان وارثان وضعیت موجود نیز شرایط دشوار خود را دارند. آنها از سویی باید پاسخگوی عملکرد دولتی باشند که نارضایتی‌ها را به حداکثری‌ترین سطح ممکن رسـانده و از سوی دیگر باید مبلغ برنامه‌هایی باشند که جامعه شکست آنها را در سال‌های گذشته دیده است. بر همین اساس بسیاری از چهره‌های اصلاح‌طلب از ماه‌ها پیش به این نکته اذعان کرده‌اند که در معرض انتخاب قرار گرفتن اصلاح‌طلبان تنها باعث تجربه یک شکست سنگین خواهد شد. با این حال آنها هیچگاه چشـم بر تصرف دوباره پاسـتور و به دسـت گرفتن مجدد قوه مجریه نبسته‌اند. از همین رو به شکل از پیش حساب شده‌ای به دنبال تغییر فضای عمومی جامعه و حرکت آن به سمت احیای دوقطبی‌های پیشین هستند. آنها بخوبی طعم شیرین پیروزی در ۲ انتخابات سال‌های ۹۲ و ۹۶ را در سایه دوقطبی‌سازی جامعه چشیده‌اند و تمایل دارند یک بار دیگر با ایجاد فضایی دوقطبی، شانس خود را برای رسیدن به پاستور امتحان کنند.

■ چرا دوقطبی تنها راه نجات غربگرایان است؟

اگر غربگرایان در میدان انتخاباتی سال ۹۲ توانستند با معرفی خود به عنوان آلترناتیوی برای عبور از وضعیت موجود و با ایده سیاست خارجی تنش‌زدا و ارتباط‌گیری با آمریکا پیروزی حداقلی کسب کنند و در میدان سال ۹۶ با مانور روی دوقطبی‌های فرهنگی و وعده پیرامون نقد شدن تدریجی امتیازهای برجام مجددا پیروز انتخابات شوند، سال ۱۴۰۰ هیچ‌کدام از این ۲ خصیصه را ندارند.

آنها نماینده ایده شکست خورده‌ای هستند که تبعات آن به شکلی تمام‌عیار در زندگی روزمره مردم مشاهده می‌شود. در چنین فضایی یقینا تنها اقبالی که می‌تواند آنها را از شکست حتمی نجات دهد، شکل‌گیری یک فضای دوقطبی است. پیرامون امتیازهای این شرایط نیز می‌توان به موارد متعددی اشاره کرد که مهم‌ترین آنها به شرح زیر است.

۱ غربگرایان با توجه به ضعف مدیریتی و افزایش نارضایتی‌ها، فراتر از رای عمومی خود در سال ۹۶ حتی بدنه حامی را نیز از دست رفته می‌بینند؛ بدنه‌ای که تمایلی به خرج کردن بیش از پیش اعتبار خود برای اصلاح‌طلبان ندارد و همچنین نمی‌تواند پاسخگوی نارضایتی‌های عمومی باشد. از همین رو غربگرایان در گام اول برای احیای بدنه حامی خود و ایجاد انسجام تشکیلاتی در آنهـا نیازمند دوقطبی کردن جامعه و رادیکال کردن فضای اجتماعی هسـتند. «وطن‌امروز» روز یکشنبه نیز در مطلبی با عنوان «رسـم‌الخط تکرار» به این مساله پرداخته و نوشته بود: «آنچه مهم‌ترین سناریوی این جریان (غربگرایان) به نظر می‌آید هموارسـازی راه برای کاندیدای نهایی براسـاس «رادیکالیسم پیشاانتخاباتی» است. در این «رادیکالیسم پیشاانتخاباتی» سعی می‌شود با هدایت فضای عمومی جامعه به سمت صورت مساله‌های رادیکال و چهره‌های هنجارشکن سیاسی، فضای عمومی جامعه با شـوک‌های مقطعی مواجه شود تا از دل این شوک‌ها بستری برای همدل و همصدا کردن بدنه سرخورده آماده شده و با بسیج کردن آنها فضای انتخابات را از پاسخگویی پیرامون عملکرد دولت روحانی دور کنند».

۲ پاشنه آشیل غربگرایان در مواجهه با افکار عمومی پاسخی است که باید نسبت به عملکرد دولت بدهند. جامعه آنها را به وعده رفع تحریم در سایه مذاکره با آمریکا، گشایش اقتصادی در سایه مدیریت ژنرال‌ها و ده‌ها شعار دیگر می‌شناسد که هیچ‌کدام عملی نشده و حتی تجربه سال‌های پیش را تبدیل به آرزوی طبقات متوسط و فرودست جامعه کرده است. یقینا در چنین موقعیتی آنها جوابی جز «نه» را نمی‌توانند از جامعه بشنوند. از همین رو حرکت دادن جامعه به سمت یک فضای دوقطبی این امکان را فراهم می‌آورد تا عملا عملکرد دولت و نسخه تجویزی غربگرایان برای برون‌رفت از شرایط کنونی در میدان رقابت‌ها فراموش شده و جامعه به سـمت انتخاب در قالب دوقطبی‌های کاذب حرکت کند. عمده رفتارهای رادیکال این روزهای اصلاح‌طلبان همانند اظهـارات برخی چهره‌های مطرح آنان و تلاش برای وارد کردن حسن خمینی به میدان انتخابات با نیت رد صلاحیت شدن وی را می‌توان شاهد مثال‌هایی از این خیز حساب شده برای دوقطبی کردن جامعه دانست.

۳ همان‌گونه که پیش از این نیز اشاره شد، در فضای دوقطبی رویکرد سلبی و آرای سلبی تعیین‌کنندگی حداکثری پیدا می‌کند و سیاست‌هایی همانند «رقیب‌هراسی» بیش از هر زمان دیگری کارساز می‌شود. در شرایطی که فضای ایجابی هیچ‌گونه احتمالی بـرای پیروزی غربگرایان نمی‌گـذارد، طبیعتا ایده مطلوب آنها حرکت به سـمت یک فضای دوقطبی و مانور روی آرای سلبی و رقیب‌هراسی در هفته‌های منتهی به انتخابات است. در همین زمینه جریان انقلابی باید به بازخوانی فضای انتخاباتی سال ۹۶ پرداخته و بار دیگر به خود یادآوری کند که چگونه فضای تبلیغاتی و رقیب‌هراسی می‌تواند میدان رقابت‌ها را از مباحثه روی ایده‌ها به سمت تخریب‌های سازمان‌یافته ببرد.

■ بازی انتخاباتی با مصالح ملی

آرایش انتخاباتی اصلاح‌طلبان که از ماه‌های پایانی سال ۹۹ آماده شده بود، در هفته‌های گذشته بیش از پیش خود را در افکار عمومی برجسته ساخته است. آنها از سویی با «رادیکالیسم پیشاانتخاباتی» برای انسجام بخشیدن به بدنه پراکنده خود گام برمی‌دارند و از سوی دیگر در افق یک «دوقطبی‌سازی سیاسی» با نیت فرار از پاسخگویی و تاثیرگذاری روی افکار عمومی حرکت می‌کنند. جریان انقلابی باید با آگاهی از این سناریو نحوه کنش و واکنش خود را در عرصه‌های مختلف تنظیم کند و اگر از این امر غفلت کند یقینا تبدیل به بخشی از نقشه دوقطبی جریان غربگرا خواهد شد. رفتار اصلاح‌طلبان در هفته‌های گذشته زمانی که در کنار برخی اتفاقات مشکوک همانند انتشار فایل صوتی ظریف در یکی از شبکه‌های معاند وابسته به عربستان سعودی قرار می‌گیرد، زنگ خطر را بیش از پیش برای نیروهای انقلابی به صدا درمـی‌آورد. یقینا یکی از مهم‌ترین نقاط مورد علاقه غربگرایان برای دوقطبی کردن جامعه ایران مسـاله سیاست خارجی اسـت. در این بستر می‌توان نوع مواجهه رسانه‌های دولتی و رئیس‌جمهور درباره مذاکرات وین را به عنوان شاهد مثالی زنده آورد. رسانه‌های اصلاح‌طلب در هفته‌های گذشته به شکلی آشکار سعی کردند با ایجاد یک بلوک موهوم مخالف مذاکره در کنار پوشـش حداکثری اخبار مذاکرات، یک بازی رسـانه‌ای را برای ایجاد این دوقطبی به راه اندازند. غربگرایان که تجربه انتخابات ۹۲ و ۹۶ را بخوبی در خاطر دارند، تلاش می‌کننـد در عیـن تقویت گزاره «بهبود اقتصادی در سـایه سیاست خارجی» و معرفی خود به عنوان نماینده این گزاره، رقبای سیاسی خود را به عنوان قطب مخالف مذاکره معرفی کنند. آنها در این زمینه بیش از هر چیز به بازی خوردن جریان انقلابی و وارد شدن به این دوقطبی کاذب امید دارند. نیروهای انقلابی با آگاهی از همین سـناریو نباید تقویت‌کننده فرض مخالفت با مذاکرات شـوند. آنچه بخوبی عیان است، رویکرد غلط غربگرایان در زمینه سیاست خارجی و مدیریت مذاکرات هسته‌ای است و هر بحثی در میدان سیاست خارجی باید بر مبنای نگاه ۲ طرف به چگونگی مذاکرات و نه اصل آن باشد. هر قدر اختلافات میان چگونگی مذاکرات فضا را به سـمت انتخاب عقلانی متمایل می‌کند، شکل‌گیری دوقطبی موافقت و مخالفـت با مذاکرات، فضای انتخاباتی را هیجانی و تهی از عقلانیت می‌کند. انتشار مشکوک فایل اظهارات ظریف نیز باید به عنوان یکی از احتمالات در مسیر دوقطبی‌های انتخاباتی در بستر سیاست خارجی فهم شود و نوع مواجهه جریان انقلابی با آن باید بر اساس همین فرض باشد. یقینا اقداماتی از این دست فراتر از تلاش برای رادیکال و دوقطبی‌سازی انتخابات، تبعات ضدملی و ضدامنیتی نیز خواهد داشت. بازی انتخاباتی با مصالح ملی و تبدیل کردن اصول سیاست خارجی به بخشی از پروژه تبلیغاتی غربگرایان چیز جدیدی نیست و رد آن را می‌توان در ادوار پیشین انتخابات نیز مشاهده کرد. با این حال به حاشیه بردن مطالبات اصلی مردم در زمینه معیشت و ضریب دادن به این دوقطبی‌های انتخاباتی (همانند موج‌سازی در زمینه سیاست خارجی) بیش از هر چیز منافع مردم را خدشه‌دار می‌کند.

یادداشت امروز

از فایل صوتی منتظری تا فایل صوتی ظریف

ادامه از صفحه اول

... اهـداف چندلایـه‌ای را از قبـل این اقدام (و اقدامات مشـابه احتمالی در هفته‌های آتی) دنبال می‌کند.

■ ابعاد یک سناریو چندلایه

اولا، به نظر می‌رسد محمدجواد ظریف، بازیگر این نقش نبوده و خود قربانی این بازی است. چه اینکه با افشای این فایل صوتی، ماجرای نامزدی شخص محمدجواد ظریف در انتخابات ۱۴۰۰، عملا پایان یافته و حتی در صورت ثبت‌نام، عبور از فیلتر شورای نگهبان برای او ممکن نخواهد بود. این امر حتی ماندن ظریف در وزارت امور خارجه در دولت بعدی را نیز غیرممکن کرده و در شرایط کنونی او را از قطار سیاست پیاده می‌کند.

دوم آنکه، هجمه علیه شهید سلیمانی یقینا با واکنش تند و محکم جریان انقلابی روبه‌رو خواهد شد. این امر به سهم خود، گامی مهم در راسـتای تحقق یک دوقطبی کاذب در انتخابات ۱۴۰۰ است؛ دوقطبی‌ای که یک سر آن را جریانات انقلابی مدافع حضور منطقه‌ای ایران تشـکیل خواهند داد. اظهارنظر یکی از چهره‌های مهم در این زمینه نیز می‌تواند این تنور را داغ‌تر کرده و زمینه را برای تشکیل سر دیگر دوقطبی مهیا کند؛ سر دیگری که اکنون بیشتر در دوقطبی «مشارکت/عدم مشارکت» مشغول نبرد بوده و با کلیدواژه تحریم انتخابات تلاش می‌کند مشارکت مردم در انتخابات را بکاهد.

سومین نکته اینکه، تیم عملیات روانی دولت برای انتخابات پیش رو و بر اساس کنش رقیب، ۲ سناریوی احتمالی را مدنظر دارد؛ نخست آنکه با فرض ورود فردی غیرنظامی، دوگانه «مذاکره/عدم مذاکره» را فعال کرده و با کمک مذاکرات برجامی در جریان، بتواند بار دیگر با هزینه سـنگین از جیب سیاست خارجی، در سیاست داخلی خود را پیروز انتخابات گرداند. سناریوی دوم، فرض رقابت با کاندیدایی با سابقه نظامی است. در این سناریو، دوقطبی مدنظر حول محور حاکمیت دوگانه شکل گرفته و کلیدواژه «دولت با تفنگ / دولت بی‌تفنگ» بار دیگر به میان خواهد آمد.

چهارم آنکه، برای ایجاد یک دوقطبی، ۳ شـرط لازم وجود دارد؛ ۱- محتوای آماده و در دسترس عموم (منازعه پخته‌شده و شکل‌گرفته)، ۲- حساسیت رقیب در شدت دادن به سر دیگر دوقطبی و ۳- وجود نامزدی به عنوان نماد سوی دیگر دوقطبی در میدان انتخابات. برای تحقق دوقطبی نخست مین‌گذاری لازم در انتخابات سـال‌های ۹۲ و ۹۶ صورت گرفته است. مذاکرات برجامی نیز این بحث را داغ‌تر از قبل کرده و مخالفان این شیوه مذاکره نیز در موضعی محکم و قاطع قرار دارند. نامزدی احتمالی سعید جلیلی یا حتی آیت‌الله رئیسی نیز میدان انتخابات را برای آن مهیاتر خواهد کرد. اما برای تحقق سـناریوی دوم، هر چند زیرسـازی لازم تا حدی انجام شـده است ولی مسأله مداخله نظامیان در اداره کشور، هر چند در افواه اصلاح‌طلبان دائما در جریان اسـت اما حالتی کلی و تا حـدی مبهم دارد که به درد مصارف انتخاباتی آن هم در زمان کوتاه باقیمانده نمی‌خورد. در حقیقت هر چند آنها دائما جامعه را نسبت به کاندیدای نظامی ترسانده‌اند اما نتوانسته‌اند در فضایی عیان و مشخص، این بیان را عینی و ملموس کنند. از سـوی دیگر، سر دیگر دوقطبی در میان اردوگاه رقیب، چندان نسبت به مسأله حساس نیست؛ از این رو لازم است با رقم زدن اتفاقی، هم این مسأله به سطح اول منازعات و بحث‌های سیاسی کشیده شود و هم در اردوگاه رقیب، حساسیت‌ها نسبت به این مسأله افزایش یابد ولی نامزد نماد این دوقطبی، گزینه‌ای نظامی اسـت که بهترین جلوه آن در قامت محمدباقر قالیباف ظهور و بروز خواهد داشت.

نکتـه پنجم اینکه، برای ایجاد یک بحـث داغ، نمی‌توان از تریبون‌های رسمی کشور بهره برد. چه اینکه هزینه داغ کردن چنین بحثی را در آسـتانه انتخابات کمتر بازیگر سیاسـی‌ای می‌پذیرد. استفاده از شیوه‌ای مشابه افشای فایل صوتی آیت‌الله منتظری نیز ممکن نیست، چه اینکه فایل مشخصی از مرحومان در اختیار تیم عملیات روانی نبوده است. در نتیجه تصمیم بر آن می‌شود تا یکی قربانی دیگران شده و لذا صوتی جدید ایجاد و منتشر شود؛ در این میان چه کسی بهتر از نامزد نمایشی و سپر بلای اصلاح‌طلبان؛ کسـی که در نهایت قرار است در انتخابات قربانی نامزد اصلی شده و حال کمی زودتر به مذبح می‌رود. این بار به جای افشای فایل یک فرد درگذشته، فایل محرمانه مصاحبه وزیر امور خارجه در اسفندماه ۹۹ منتشر می‌شود. اینکه اساسا هدف از چنین مصاحبه‌ای چه بوده اسـت بر نگارنده مکشوف نیست اما هر مسؤول و سیاستمداری مدارک، مستندات و مواضعی دارد که با توجه به شدت محرمانگی آن با وسواس و دقت زیاد از آن مراقبت می‌کند؛ چرا مطالبی با این سـطح از محرمانگی به‌راحتی از لایه‌های مختلف عبور کرده و منتشـر می‌شود؟ به نظر می‌رسـد طرحی مشخص برای اصل مصاحبه و کیفیت و زمان افشای آن وجود داشته که احتمالا وزیر امور خارجه نیز از آن بی‌خبر بوده است. بدین ترتیب از سویی موضوع حاکمیت دوگانه به سطح اول منازعات و مباحثات سیاسی بازگشته و از سوی دیگر، نوع بیان ظریف از شهید سلیمانی و حضور منطقه‌ای ایران در سوریه، سر دیگر دوقطبی را بشدت تحریک خواهد کرد. از سویی، این صوت ظریف، به کمک دوقطبی اول نیز آمده است؛ جایی که با تمرکز بر واژه میدان، عملا به دوقطبی جنگ-مذاکره نیز شدت خواهد بخشید. ششمین نکته آنکه، از ابتدا نیز روشن بود فردی در قامت ظریف با اختصاصاتی نظیر کم‌طاقتی، تندخویی، نسنجیده‌گویی و همین ساده‌انگاری که منجر به افشای چنین فایل صوتی‌ای شده است، نمی‌تواند گزینه مطلوب اصلاح‌طلبان باشد. در لابه‌لای سخنان برخی از آنها نیز می‌توان این نکته را دریافت که آنها نامزدی پنهان در آستین دارند. شاید بتوان نامزدی افرادی چون تاجزاده و کرباسچی را نیز در همین راستا تحلیل کرد، چه اینکه با رد صلاحیت احتمالی هر ۲ به واسطه سوابق کیفری و قضایی، عملا امکان عبور از فیلتر شورای نگهبان را نداشته اما ظرفیت مهمی برای دوقطبی‌سازی به نفع نامزد در پرده را خواهند داشت. اصلاح‌طلبان در ماه‌های اخیر تلاش کرده‌اند نامزد نیابتی را با دست پس زده و با پا پیش بکشند. شرایط کنونی احتمال نامزد سایه‌نشین این روزهای سیاست ایران از سوی اصلاح‌طلبان را بیشتر از گذشته کرده است. در آخر اینکه، راهبرد مقابله با این سناریو چیست؟ به نظر می‌رسد این سناریو برای دامن زدن به یک دوقطبی در انتخابات طراحی شده است، پس پادزهر آن بازی نکردن در زمین رقیب و ضریب ندادن به اظهارات نسنجیده وزیر امور خارجه است. خنثی‌کننده مهم این سناریو، درک این مطلب است که رقیب انتخاباتی جریان انقلاب، فقط طرفداران نشان‌دار مذاکره نیستند، بلکه امنیتی‌هایی هم هستند که برای ماندن در عرصه قدرت، نزدیک‌ترین افراد خود را نیز قربانی می‌کنند. باید توجه داشت قطع‌نظر از شخص نامزد جریان نزدیک به دولت و اصلاح‌طلبان که احتمالا یک فرد خواهد بود، سیاست اصلی جریان انقلاب باید فرار از تله دوقطبی‌سازی باشد؛ دوقطبی‌سازی‌ای که می‌توانـد ۱۴۰۰ را پایان دولت کنونی قرار نداده و آن را تمدید کند. در حقیقت، این اظهارات در واقع امر، نه بی‌حرمتی به شهید سلیمانی است که مقامش بسی بالاتر از این اظهارات سخیف بوده و نـه حضور منطقه‌ای ایران و جبهه مقاومت را تضعیف کرده، که ناخواسته بر اهمیت و اثرگذاری آن صحه نیز گذاشته است. این اظهارات در دل خود بیش از هر چیز، تنفر و کینه پنهان از موفقیت راهبرد جبهه مقاومت در ناکام گذاشتن دشمن و توفیق رزمندگان مظلوم مدافع حرم در پاسداری از حرم زینب کبری سـلام‌الله علیها و حرم جمهوری اسلامی را به تصویر کشیده و با نگاهی به مجموعه آن می‌توان دریافت شاید بار کردن باقالی بر این افسران شکست‌خورده سیاست خارجی و داخلی، ظلم و جفا به این سبز دوست‌داشتنی باشد.

*پژوهشگر هسته بازاریابی سیاسی مرکز رشد دانشگاه امام صادق(ص)